

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: MLOA

۰۳ اپریل ۲۰۱۱

Contents: Introductory speech(No.۲)

Ranjbar ۶۷-Nov.۲۰۱۰

سخنرانی گشایشی تشکیل کنفرانس ICOR

(که توسط اشتفن انگل* به نمایندگی از طرف گروه تدارکی بین المللی اجراء شد)

رفقای عزیز،

من به نمایندگی از طرف گروه تدارکی بین المللی و به عنوان هماهنگ کننده اصلی موقتی در مرحله اولی پروسه تدارکی، به گرمی از شرکت شما در کنفرانس پایه گذاری ICOR خوش آمد می گویم. ما در اینجا گرد هم آمده ایم برای برپائی تشکل بین المللی همکاری و هماهنگ کردن فعالیت عملی احزاب و سازمانهای انقلابی به منظور حزب سازی و در مبارزه طبقاتی. ۷۶ سال بعد از انحلال انترناسیونال سوم ما مبادرت به برداشتن گامهای اولیه ای کرده ایم جهت تشکیل تشکل نوین بین المللی پرولتاریای انقلابی و تمام توده های ستم دیده که برای رهائی شان می جنگند. این پیش گامی جهت بالابردن سطح مبارزه علیه امپریالیسم جهانی لازم است، امپریالیسمی که با روش نئوکولونیالی بی حد و مرزش به استثمار و ستم در تعداد زیادی از کشورهای وابسته و ستم دیده ادامه می دهد. البته، این بدان معنا نبوده و نمی تواند تأسیس مجدد کمینترن باشد که به دور هسته اتحاد جماهیر شوروی به عنوان سنگر انقلاب پرولتاریای جهان شکل گرفته بود. هدف ایفای سهمی در تشکیل مجدد انترناسیونال انقلابی و جنبش طبقه کارگر با در نظر گرفتن آموزشهای گذشته و شرایط مشخص و وظایف کنونی و آینده می باشد. هماهنگی کار احزاب و سازمانهای انقلابی فرا کشوری باید با کمک به از میان برداشتن پارچه پارچه شدن و اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی، پشتیبانی از یک دیگر در مبارزه طبقاتی در هر کشور و تبدیل شدن به یک نیروی بسیار قابل ملاحظه بین المللی همراه شود.

بعد از انشعاب عمیق در جنبش کمونیستی بین المللی- با کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۵۶ به عنوان نقطه آغازین- جنبش انقلابی بین المللی و طبقه کارگر دچار سهمناک ترین عقب نشینی شد. احزابی که زمانی از نیرومند ترین احزاب انقلابی طبقه کارگر بودند به منجانب انحطاط رفرمیستی، احزاب بورژوائی در غلتیدند؛ تعدادی از سازمانهای انقلابی نامیدانه منشعب و متلاشی شدند؛ خود جنبش انقلابی طبقه کارگر در کشورهای مختلف مطلقاً به حاشیه رانده شد و در نتیجه ضد کمونیسم ارتجاعی عمیقاً در میان توده ها رخنه کرد.

مدت زمان زیادی سپری شد تا احزاب و سازمانهای انقلابی ثابت قدم باز عهده دار کوششی شدند که عمدتاً در حلقه اولیه خواهان همکاری و کمک به یک دیگر اند تا از این طریق اختلافات را به طور عینی برطرف کنند و به هم نزدیک شوند.

این فعالیتها از پایان دهه ۱۹۸۰ مقدماتاً در سمینارها و کنفرانسهای بین المللی و مناظره های عمومی شروع شد. در حال حاضر، در جنبش انقلابی بین المللی و جنبش طبقه کارگر شرایط برای برداشتن گام بزرگی به جلو، برای همکاریهای سازمان یافته با دوام در عمل فرا رسیده است.

تأسیس ICOR باید به سنگ بنای وحدت جنبش انقلابی بین المللی و طبقه کارگر تبدیل شود. روند آگاهی مثبت یافتن در مورد لزوم انترناسیونال و همکاری عملی احزاب و سازمانهای انقلابی با تکامل های عینی پیشرفت نمود.

در دهه ۱۹۹۰، بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و CMEA ی سابق (همکاری اقتصادی میان کشورهای سوسیالیستی - مترجم)، در اقتصاد جهان سرمایه داری یک صورت بندی جدیدی از تولید بین المللی بر اساس بازار آزاد شکل گرفت.

به اساس گرایش کلی تولید سرمایه داری به سمت جهانی شدن، یک روند تمرکزی سابقه فرا مرزی، تقسیم کار سرمایه داری را به سطح جهانی شدن بالابرد.

این تحولات جوامع را در چارچوب جهان امپریالیستی به سمت تغییرات ژرفی سوق داد. بشریت تنها به تدریج با تاثیرات فراگیر این توسعه به مقابله پرداخت.

بیشترین تاثیرات را تجاوز مسلحانه علیه افغانستان و عراق در اغفال افکار عمومی داشت که به بهانه "جنگ علیه تروریسم بین المللی" توجیه کردند و بحران اقتصادی و مالی جهان در سال ۲۰۰۸، که عمق آن، وسعت آن و سرآشینی مسیرش در تمام طول تاریخ سرمایه داری بی سابقه است.

جهانی شدن بازارها، تولید و بازرگانی نیز تغییرات معینی را در مبارزه آزادیبخش طبقه کارگر و توده ها موجب شده است.

به موازات مبارزه طبقاتی در چارچوب ملی، گرایش بسیار نمایانی به مبارزه طبقاتی در سطح بین المللی، خود را تثبیت کرده است.

* مگر در ۱۵ فبروری ۲۰۰۳ نبود که تقریباً ۱۹ میلیون مردم سراسر جهان در ۶۶۰ شهر مختلف همزمان علیه تجاوز قریب الوقوع امپریالیسم امریکا به عراق دست به تظاهرات زدند؟

* مگر مقاومت فعال شبکه بین المللی در ۱۰۰ کشور به خاطر نجات آب و هوای جهان نبود که در مقابل تخریب ظالمانه توسط امپریالیستها و انحصارات، در دسمبر ۲۰۰۹ در کپنهاگ خود را تثبیت کرد؟

* مگر اعتصاب فرا مرزی کارگران کشتی در اروپا در سال ۲۰۰۵ نبود که قانون آزادکردن بنادر اروپا را به عقب راند؟

* مگر کشورهای امریکای لاتین نبودند که نقشه تسلط امریکا بر حوزه بازرگانی آزاد امریکای جنوبی را در یک مبارزه متحد شکست دادند؟

* و درست همین اخیراً، از سال ۲۰۰۴ تا به حال، مگر مکرراً اعتصابات کارگری در شرکتهای کورپوراتیو اروپا به واقعیت نینجامیده اند؟

به چه طریق دیگر مردم امکان دارند علیه فعالیتهای هماهنگ بین المللی انحصارات بین المللی و امپریالیستها از خود دفاع کنند، به غیر از این که مبارزه طبقاتی شان را با کشورهای دیگر هماهنگ سازند؟

با بروز بحران اقتصادی و مالی جهان در سال ۲۰۰۸، دنیا مدیریت بحران جهانی ۲۰ کشور از بزرگترین کشورهای صنعتی بزرگ و انحصارات شان را نظاره کرد. مجموع تولیدات این کشورها ۹۰ درصد تولیدات داخلی دنیا است. که تا به حال بی نظیر می باشد.

برای جلوگیری از سقوط و اضمحلال سیستم مالی جهان، برای جلوگیری از فروپاشی غیرقابل کنترل اقتصاد جهانی و بیش از همه، جلوگیری از ناآرامی های بالقوه اجتماعی به عنوان زمینه برانگیخته شدن انقلاب سراسری، بیش از ۲۴ هزار میلیارد دلار امریکائی تا به حال در سراسر دنیا خرج شده و بودجه ملی تمام کشورها شدیداً غارت شده است.

البته، مدیریت بحران جهانی انحصارات رهبری کننده جهانی و دولتهای امپریالیستی فقط ماهیتی موقتی داشت تا این که دوباره رقابت سخت و بی امان همگانی در جست و جوی برتری بیشتر بر دیگران، جانشین آن بشود. به علاوه، این یک حقیقت مسلمی است که بحران مدیریت جهانی شدیداً خطر ورشکستگی دولت را تشدید می کند، که منجر به بحران یورو در اوایل ۲۰۱۰ شد.

یک چنین تلاش عظیم بحران مدیریت نمی تواند به دلخواه در هر زمانی تکرار گردد. زیرا، مجازاً امکان پذیر نیست که بار بی کران این بحران را با اراده خود به دوش توده های وسیع خالی کرد، بدون این که به طرز خطرناکی عدم ثبات عمومی نظام جهانی امپریالیستی را برای نیروهای حاکم تشدید نمود.

در هر جای جهان اعتراضات به شکل خاص مبارزه علیه انداختن بار سنگین این بحران به دوش توده ها در حال رشد است.

ولی در موارد زیادی، این هنوز بدون هماهنگی، خودبه خودی و بیشتر اوقات توسط رفرمیستها و اپورتونیستها صورت گرفته، که طبعاً اینان این مبارزات را در جهت تغییر جامعه با دید خود سوق داده، موفقیت آن را کم کرده و حتی به شکست می کشانند.

با گرایش رشد یابنده سیستم جهانی امپریالیستی به بحران، در آینده گرایش به بحران انقلابی نیز پدیدار گشته و رشد خواهد کرد.

توده های وسیع مردم، طبقه کارگر، دهقانان، دانش جویان و زنان باید خود را در مبارزاتشان، در طرز تفکرشان، در احساسشان و در فعالیتهایشان برای گذار به بحران انقلابی آماده سازند.

بدین منظور، آنها نیاز به وحدت بین المللی دارند که آنها را به یک نیروی شکست ناپذیری در مبارزاتشان علیه امپریالیسم تبدیل کرده و برای جامعه سوسیالیستی آماده کند.

وحدت پتانسیل انقلابی در سراسر جهان یک ضرورت عینی است. و هم چنین برای مبارزه طبقاتی در هر کشوری.

وقت آن فرا رسیده است که جلو تلاشی نیروهای انقلابی را بگیریم و مبارزه را علیه امپریالیسم متمرکز دهیم!

رفقای عزیز!

طبیعتاً، مبارزه طبقاتی در هر کشوری حق تقدم را حفظ می کند.

این اساس سیاسی انترناسیونالیسم پرولتری است، چون که قدرت سرمایه داران و امپریالیسم در سطح ملی و دولتی به طور سازمان داده شده ادامه خواهد داشت.

باوجود کلیه ادغام و یک پارچگی بین المللی و تمرکز یابی، جهان امپریالیسم دستگاه مشترکی برای قدرت ندارد.

این ضعف بنیادی آن است، که نمی تواند در چارچوب نظم جامعه سرمایه داری بر آن غلبه کند.

نیروهای متحد انقلابی باید بدانند چه گونه از تضادهای بین - امپریالیستی بهره برداری کنند تا سیستم امپریالیستی را تضعیف کنند و دراین پروسه نیروی خود را تقویت بخشند.

باین حال، بدون اتحاد بین المللی، این ساده انگارانه است که بخواهیم طبقه کارگر و توده های وسیع هر کشوری مستقل بورژوازی کشورشان را بدون اتحاد بین المللی از پا درآورند.

آیا ستراتیژی و تاکتیک نبرد علیه "تروریسم"، برنامه مشترک طبقات حاکم نیست برای اینکه شدیداً و تاحد امکان مشترکاً، هرگونه تهدید مناسبات مربوط به قدرت شان را بدون استثناء در هرکشوری له کنند؟

با نظریه "سیاست داخلی جهانی"، امپریالیستها مداخله در امور داخلی کشورها در سراسر جهان و حق شان برای حمله نظامی، در صورت ضرور علیه خیزشهای انقلابی را توجیه می کنند.

در چنین شرایط ستراتیژی فقط با فشاری کردن روی مبارزه انقلابی مستقل در هر کشور، و هم زمان با آن امتناع از اتحاد و اتفاق بین المللی، مطمئناً راهی است که منتهی به شکست می شود.

مگر مارکس وانگلس دلیل شکست "کمون پاریس" را در آن ندیدند که پرولتاریای بین المللی برای کمک به برادران طبقاتی خود در پاریس از طریق حرکتهای انقلابی در کشورهای خودی به پا نخواستند و در عوض به بورژوازی

امکان دادند که خود را نهایتاً به صورت نیروی ضد انقلابی سازمان دهد؟

مگر نه این است که گسترش انقلاب جهانی پرولتاریائی بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شکست خورد، یا به خاک و خون کشیدن خیزشها و مبارزات انقلابی مختلف را ضد انقلاب به دلیل این که شرط لازم ذهنی در هریک از کشورهای امپریالیستی- مخصوصاً در المان- و علی رغم بحران انقلابی ۱۹۱۸ - ۱۹۲۳، که هنوز نارس بود، به پیش برد؟

ما دیگر نمی توانیم اجازه دهیم که این اشتباهات تکرار شوند که نیروهای انقلابی، خیزشهای انقلابی و جنبشهای قهرمانانه آزادیبخش به دلیل انزوای ملی و نبود همبستگی بین المللی توسط ضد انقلاب جهانی سرکوب شوند.

به این دلیل، تشکیل سازمان بین المللی برای هماهنگ کردن کارهای عملی احزاب و سازمانهای انقلابی چیزی است که: رشد شرایط ذهنی برای مبارزه انقلابی آزادیبخش جهانی را به خاطر غلبه بر امپریالیسم سرعت می بخشد!

رفقای عزیز!

در ماه اگست ۲۰۰۷، در قطعنامه ای، ۲۱ شکل تصمیم گرفتند دست به ایجادیک سازمان جهانی جهت همکاری عملی احزاب و سازمانهای انقلابی بزنند.

از آن زمان تا به امروز، در پروسه بحث منظم غیر مرکزیت یافته در امریکای شمالی، امریکای جنوبی، آسیا، افریقا و اروپا تعداد زیادی از سازمانها درگیر این بحث شدند.

بیش از ۷۰ تشکل به طور سازنده در این بحث شرکت کرده و خودشان را به عنوان جزئی از پروسه شکل گیری می دانند، هر چند که تمامی آنها نتوانستند در این اجلاس شرکت کنند.

سازمانهای باز هم بیشتری در این بحث شرکت کرده اند و نظر مساعدی نیز دارند ولی هنوز نتوانستند تصمیم قطعی برای شرکت فعال خود در این پروسه شکل گیری سازمان جهانی بگیرند.

ICOR باید با آغوش باز به سایر انجمنهای مترقی، دموکراتیک و انقلابی دست همکاری دراز کند و نباید دچار اشتباه یک جانبه گری شود که خود را در رقابت با آنها ببیند.

البته، ما نباید در زمانی که شروع به ایجاد شکل سازمان داده شده انترناسیونالیسم پرولتری برتر می کنیم، هوشیاری خود را در مورد نیروهائی که در راه انقلابی تخریب می کنند و با وحدت نیروهای انقلابی در جهان مخالفت می کنند از دست بدهیم. ولی این امر با شک و تردید و ظن داشتن به یک دیگر و یا دعوا و منارعه بر سر مسائل جزئی که بی جهت به جدائی ما و تضعیف صفوف انقلابی ما منتهی می گردد، کاملاً فرق دارد.

رویدادهای تاریخی مهم جهان برای بالغ شدن نیاز به زمان دارند.

* این امر شامل روندی برای به وجود آوردن اعتماد بین سازمانها ئی است که تا این تاریخ با یک دیگر کار نکرده اند.

* این امر شامل روندی برای همکاریهای عملی میان سازمانهای بسیار متفاوتی است که در هر کشوری تحت شرایط بسیار متفاوت مبارزه می کنند.

* این امر بیش از هر چیز شامل بحث صبورانه ایدئولوژیک - سیاسی، انتقاد و انتقاد از خود جهت رسیدن به وحدت می شود.

ما مشترکاً به نقطه ای رسیده ایم که می توانیم اقدام به بنیاد گذاری این سازمان بین المللی به منظور تسریع و بهبود روند ساختمان و پیش روی آن با کیفیتی جدید بکنیم.

شک و تردیدهای بسیاری می بایست برطرف می شد تا بتوانیم امروز به بنیان گذاری این پروسه دست یابیم.

یکی از مهمترین نکات این بود که سازمانهای متعددی هنوز خود را در موقعیتی نمی بینند که در فعالیتهای بین المللی مشترک شرکت کنند.

علی رغم تمام محدودیتهای مادی، ایدئولوژیکی و مالی تک تک تشکلهای، این ایرادات جدی به هر صورت یک جانبه می باشند، چون که آنها در نظر نمی گیرند که دقیقاً اتحاد انترناسیونالیستی نفع فوق العاده ای را برای این تشکلهای دربر خواهد داشت.

حال آنها با توجه به تجارب شکست سازمانهای مختلف متعددی، می توانند مستقیماً از کمک مادی بهره مند شوند و هم چنین از این طریق بر ضعفهای خود چیره گردند.

احتیاط های دیگر این تشکلهای مربوط اند به این مسأله که چگونه چنین اتحادی می تواند با موفقیت همراه شود، تا زمانی که وحدت نظر در مورد تمام مسائل ضروری ایدئولوژیک - سیاسی هنوز تحقق نیافته است.

با این که رسیدن به وحدت ایدئولوژیک - سیاسی به طور تدریجی لازم است، عمل مشترک، مبارزه مشترک در مورد تعدادی از مسائل اصلی وابسته به آن نیست که در تمام مسائل اصلی توافقی وجود داشته باشد.

آیا ما همگی تجارب بسیار و مختلفی در زمینه اتحاد عمل و سیاست جبهه واحدی در پراتیک انقلابی خود نداریم؟

آیا هرگز ما از افراد مختلفی که در تظاهرات ضد فاشیستی و سایر فعالیتهای شرکت می کنند در مورد جهان بینی های مختلف و نظرات سیاسی آنان قبل از کار مشترک عملی با آنها، سؤال می کنیم؟

هیچ اعتصابی را نمی توان در کارخانه ای سازمان داد چنان چه ما اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی را کنار نگذاریم تا بتوانیم با هم مبارزه را برای خواستهای اقتصادی و سیاسی به پیش ببریم.

به عکس، تجربه نشان می دهد که پراتیک انقلابی مشترک کمک می کند تا اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی برطرف شوند.

وحدت و مبارزه اضداد یک اصل دیالکتیکی است که هر انسان انقلابی اگر نمی خواهد در پژمردگی انزوای خود قرار گیرد، باید آن را خوب یاد بگیرد.

سازمانهای درگیر در روند ICOR علی رغم تمام اختلافات عقیدتی شان در مورد جهان بینی یا تحلیل سیاسی و موضوعات برنامه ای در مورد مواضع اساسی مهم با هم توافق دارند.

توافقی مابین همگی وجود دارد که سیستم جهانی امپریالیست، ریشه کلیه مسائل حل نشده بشریت است.

که فقط با چیره شدن بر سیستم جهانی امپریالیست است که می توان مسائل بشریت را حل کرد.

این یک درک عمومی است که راه حل این معضل از طریق انقلاب باید صورت گیرد؛

قدرتهای کهنه باید سرنگون گردند و ساختارهای آنان باید با ساختارهای دیکتاتوری پرولتاریا و قدرت خلق جایگزین گردند.

در اسناد خود ما باید تعریفی دقیق از این وحدت بنیادی داشته باشیم بدون از دست دادن دیدگاه مان در مورد این که هم چنین، هنوز درصدی از مسائلی موجودند که از نظر اختلافات ایدئولوژیک- سیاسی حل نشده اند، که باید امروز هر چه بیشتر آنها را کنار بگذاریم و فقط قدم به قدم راه را برای ساختمان ICOR هموار سازیم.

ما باید این حرکت را در این جا و با سازمانهایی کاملاً متفاوت انجام دهیم:

با احزاب انقلابی پخته ای با ده ها سال تجربه، نفوذ در میان توده ها و تجربه در مبارزه انقلابی طبقه کارگر.

با احزاب بزرگ و احزاب کوچک.

با احزاب کشورهای سابق سوسیالیستی که با انحطاط کشورهای سوسیالیستی سابق تحت شرایط اعاده سرمایه داری زیسته و پوچی رویونیسم را تجربه کرده اند.

با احزاب به تازگی شکل گرفته به اساس بازشناسی که مبارزه طبقاتی انقلابی بدون پیشروان انقلابی نمی تواند به پیروزی برسد.

و در حد اقل، احزاب و سازمانهای انقلابی به خاطر اختلاف نظر ایدئولوژیک - سیاسی با یکدیگر متفاوتند که شاید ریشه اش به خصوص در جهان بینی، تاریخ و یا اقتصاد اجتماعی آنها نهفته باشد.

احترام متقابل به تفاوتهای ایدئولوژیک- سیاسی و نظری، شرایط مختلف، صلاحیتهای، تجربه، هم چنین کیفیت کار، احترامی که باید به دست بیاوریم، اگر می خواهیم به گرد هم به اساس برابری جمع شویم، اگر می خواهیم تبدیل به یک نیروی مشترک بین المللی شویم.

هم کاری با یکدیگر با احترام متقابل به اساس برابری- بدون مرکز انقلابی نیرومندی مثل دورانی که اتحاد جماهیر شوروی بود - این تنها شانس به دست آوردن یک وحدت انقلابی است که بتواند امکان این را داشته باشد که تبدیل به نیروئی برتر از امپریالیسم گردد.

لازم به گفتن نیست که آن چه را که ما خواهانش هستیم تنها از طریق این بنیاد می تواند به وجود آید.

این حرکت ما تنها می تواند علامتی به سازمانهای انقلابی بدهد که از این منافع مشترک جمعی پشتیبانی کنند تا ایده همکاری سازمان داده شده بین المللی به واقعیت بپیوندد.

پروژه همکاری در تعدادی از سؤالات اساسی، پیشرفت همکاری در تمام موارد ضروری، گامی سخت و درازمدت است، که به یک اعتماد بزرگ متقابل نیاز مند است و نباید دست کم گرفته شود.

به علاوه این امر مورد حمله دشمن طبقاتی قرار خواهد گرفت، دشمنی که البته راههای ارتباطی و حمل و نقل بین المللی را نیز کنترل می کند، و به تنهایی از این طریق می تواند تأثیری اندازه ای در هم کاری ما به عمل آورد.

درخواست ویزا در مورد هر نشست باید داده شود، برای هر ایمیل بایستی از مجرای تارنمائی، سرویس پست الکترونیکی یا تلفن استفاده کرد، که توسط طبقات حاکم کنترل می شوند.

جنگ علیه به اصطلاح "تروریسم" عمده در خدمت ممانعت از فعالیت انقلابی قرار می گیرد.

همچنین به چیزی که نباید کم بها داده شود محدودیت منابع درآمد مالی و سازمانی است که مانع شرکت بسیاری از سازمانها می گردد، به خصوص از افریقا، امریکای لاتین و آسیا.

علی رغم این مشکلات ما قادر شده ایم که امروز این اجلاس بنیان گذاری را تشکیل داده و در واقع در این گروه به گرد هم آئیم.

بخش عمده ساختمان ICOR هنوز در مقابل ما قرار دارد. با وجود این، ما باید بیشترین احزاب و سازمانهای مختلف را عمده در سطح قاره ئی و منطقه ئی متحد سازیم و همکاریهای عملی واقعی را در حزب سازی و مبارزه طبقاتی سازمان دهیم.

این وظیفه عمده کمیته های همکاری قاره ئی و منطقه ئی خواهد بود، که نیاز به رفقای با کیفیت و خواست کلیه شرکت کنندگان در این همکاری دارد که با دل و جانشان و با روحیه همبستگی در آنها شرکت کنند.

مطمئناً ما فقط پیروزی نخواهیم داشت، بلکه هم چنین متحمل شکست هم خواهیم شد، و شاید هم مجبور به عقب نشینی و نومیدی شویم.

این در ماهیت اشیاء نهفته است که به استحکام و توانائی نسبی ما بستگی دارد.

با شور و شوق انقلابی مان، با اعتقاد راسخ به دیدگاههای بنیادی مان و با تهور و پشتکارمان، ما باید به تدریج مشکلات این همکاری را درک کنیم و یک دیگر را در انجام این کار پشتیبانی کنیم.

ما باید این احساس با یک دیگر بودن را که برای ما تازگی دارد رشد دهیم.

این یک مرحله نوین انترناسیونالیسم پرولتاریائی است که در آن هر تشکل نه فقط خود احساس مسؤولیت برای مبارزه طبقاتی و حزب سازی در کشور خود می کند، بلکه به همان طریق برای مبارزه طبقاتی و حزب سازی در افریقا، امریکای شمالی و جنوبی، آسیا، اروپا و استرالیا، و در کشورهای که هرگز در آنها نبوده ایم و شاید هم خیلی کم در موردشان می دانیم، احساس مسؤولیت کنیم.

تمام نکات ذکر شده نیاز به پروژه دگرگونی خود ودوری جستن از کلیه عاداتهای بغرنج و پیچیده کهنه است، بدون لغزش و عدم پایبندی به اصول و بدون اپورتونیسم و سکتاریسم.

ما باید مشترکاً این پروژه را نیز در مورد بحث قرار دهیم، آن را ارزیابی کنیم و با انتقاد و انتقاد از خود مکرراً نتیجه گیری کنیم.

این منازعه باید از طریق شرکت در بحث فرهنگ پرولتاریائی صورت گیرد.

البته، با در نظر گرفتن این که هنوز به طور کلی احزاب و سازمانها به اندازه کافی رشد نکرده اند، امروز ما نمی توانیم کار انترناسیونال را تا درجه زیادی بدون بار سنگین نهادن به روی دوش نیروهای خود، گسترش دهیم.

به همین دلیل ما باید اصل متمرکز ساختن نیروهای خود را خوب فرا گیریم و پروژه های خود را در یک پروسه تدریجی و منظم توسعه دهیم.

حتی در این کنفرانس پایه گذاری ما به خاطر ضرورت باید خود را در بحث و تصویب اسناد پایه ئی و مواد بنیادی و هم چنین به کارگیری کادرهای لازم برای ساختمان انترناسیونال محدود کنیم.

لازم به دادن قطعنامه های بی شماری نیست که ما هنوز قادر به پر کردن مفاد آن تحت شرایط کنونی نیستیم.

جدا کردن تئوری از پراتیک یکی از معایب بزرگ سیاست مداران خرده بورژوازی است که علاقه مند دادن نوشته ها و قطعنامه های فراوان اند ولی حتی قادر به شروع عملی ساختن آنها هم نیستند.

از همین شروع کار ما نباید گرفتار این عادت بشویم و واقعاً کارهایی را انجام دهیم که تعهد به انجامشان داده ایم. ما باید از ابتداء این اصل را راه نمای خود قرار دهیم.

بزرگ ترین قدرت متقاعدکننده پیوسته از وحدت تئوری و پراتیک برمی خیزد.

تمرکز نیروها به ما کمک خواهد کرد که وظائف واقع بینانه ای را تنظیم کنیم که بعداً می خواهیم با تمام عزم، انضباط و اعتبار انجام دهیم.

چشم اندازهای ICOR خوب هستند و پتانسیل آن پایان ناپذیر.

نکته این جاست که این چشم انداز ها را مادیت بخشیم.

این علاقه مندی مشترک، باید در این کنفرانس بنیادی نشان داده شود.

به پیش با ICOR !

مرگ بر سیستم جهانی امپریالیسم !

پیش به سوی سوسیالیسم !

کنفرانس مؤسس هم اکنون گشایش می یابد.

* رهبر حزب مارکسیست - لنینیست المان